

روزنامه فرهنگ و هنر

صاحب امتیاز: موسسه فرهنگی هنری وصف صبا
مدیر مسئول و سردبیر: محمدرضا شفیعی

www.rooznamehsaba.com

rooznamehsaba

تهران خیابان آیت الله مدنی کوچه خجسته منش پلاک ۵
تلفن: ۶۰ ۷۷۵۸۲۴۲۲ فکس: ۷۷۵۴۸۲۴۵
چاپ: موسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران
توزیع: نشر گستر امروز



غفلت سینمای ایران از ادبیات کهن فارسی

توجه نویسندگان فرار گرفته است.

البته در این بین سهم سینمای ایران و قطعاً تلویزیون، در خصوص اهمیت دادن به هویت ملی خیلی ناچیز بوده است و دکتر تجاری، نیز غفلت سینمای ایران از ادبیات کهن فارسی را کم توجهی به هویت ایرانی و اندیشه و هنر آن می داند و با توجه به کثرت اقتباس سینمای جهان از ادبیات کلاسیک خود، برای او نیز پیوسته این پرسش مطرح است که چرا سهم سینمای ایران از ادبیات ملی اندک است؟! دکتر تجاری معتقد است، توجه به میراث ملموس و ناملموس فرهنگی و احیای پیشینه های مادی و معنوی به جای تقلید و تکرار آن، راه را برای تفکر خلاق در ارائه الگوهای عملی توسعه می گشاید. باز آفرینی آثار گذشتگان در ابزارهای بصری جدید یکی از مؤلفه های هویت پویا است. از کنار هم نهادن چهار دوره هویت ایرانی در آثار ادبی، به زعم دکتر تجاری، این گونه استنتاج می شود که دو دوره نخست، به رغم ویژگی های برجسته نمایشی برای اقتباس، از دید سینماگران مغفول مانده است، در دوره سوم نمونه های اقتباسی خوبی در سینما ارائه شده است؛ اما دوره چهارم، اگر چه هنوز اثر ادبی شاخصی خلق نشده، اما به دلیل حمایت ها و سرمایه گذاری های بخش دولتی، آثار سینمایی اقتباسی خوبی خلق شده که توجه مخاطب را جلب کرده است. در نهایت، چیزی که در چنین برهه حساسی حائز اهمیت است، تشویق هنرمندان در عرصه های مختلف به خصوص سینما است که تاثیر گذاری آن بر فرهنگ عمومی، بر کسی پوشیده نیست. در این نکته که غرب با تفکر، و قدرتمند تیشه بر داشته است تا بر ریشه فرهنگ این مرز و بوم بزند جای هیچ شک و شبهه ای نیست و اگر جامعه هنری و به خصوص هنرمندان عرصه سینما از خواب غفلت بیدار نشوند و مدیران فرهنگی زیر ساخت و شرایط مطلوبی را فراهم نیاورند، دیری نمی باید که جامعه ایرانی با یاس و ناامیدی انتظار احیای فرهنگ از دست رفته و تحریف شده خویش را خواهد داشت و در نهایت باید بر سر مزارش فاتحه بخواند.

شب یلدا جزو آیین مردم ایران و به عنوان یکی از شب های مقدس در ایران باستان مطرح بوده است. شبی که از سال ۵۰۲ پیش از میلاد در زمان داریوش یکم به صورت رسمی در گاه شمار ایرانیان باستان به تقویم رسمی ایرانیان باستان راه یافته است. البته که این سنت کهن را بهانه ای بر نگارش این مقال قرار دادم تا به این سؤال برسم؛ چرا جامعه فرهنگی و هنری ما در برابر کم رنگ شدن این آیین و سنتها و در نتیجه روبه زوال رفتن هویت ملی کاری نمی کند؟ البته که با کندوکاوی در تاریخ به روایاتی بر می خوریم که ایران عزیز ما هیچگاه از این تهاجمها مصون نبوده است، اما در هر برهه حساس تاریخی، دانشمندان و ادیبان این سرزمین با اتکا به ریشه دار بودن این هویت دست به کار شده اند. دکتر محمد تجاری، که در دورشته ادبیات و سینما از تحصیلات دانشگاهی برخوردار است و بیش از ده سال در مرکز اسناد فرهنگی آسیا به فعالیت های پژوهشی در حوزه مطالعات تطبیقی علوم انسانی و هنر پرداخته است، اهمیت هویت ایرانی برای ایرانیان را به چهار دوره تاریخی تقسیم کرده است. نخستین باری که هویت ملی ایرانی، برای ایرانیان اهمیت می یابد، قرن سوم است که ترکان غزنوی بر ایران حکومت می کنند، در این دوران، بزرگترین حماسه ملی یعنی شاهنامه فردوسی خلق می شود.

دوره دوم، دوره صفوی است، در این دوران، بازنمایی هویت ملی با دگر دیسی قهرمان ملی به دینی، تجلی می یابد، در متون این دوران، رستم، مسلمان می شود، زرین قبا، فرستاده سلیمان نبی، نواده رستم است و...

دوره سوم، عصر مشروطه است؛ که در این دوران، استعمار و نبود قانون، بیش از هر چیز هویت ملی ایرانی را تهدید می کرد؛ شعرا و نویسندگان در این دوران، عناصری چون سرزمین، تاریخ، فرهنگ و زبان را مورد توجه قرار داده اند.

دوره چهارم، دوره پس از انقلاب اسلامی و هشت سال دفاع مقدس است؛ در این دوران، خاک و سرزمین، بیش از هر چیز مورد

امیر افشار فتوحی - شب یلدا هم رسید، شبی که کهن ترین جشن ما ایرانی ها است. در این جشن، طی شدن بلندترین شب سال و به دنبال آن بلندتر شدن طول روزها در نیم کره شمالی، که مصادف با انقلاب زمستانی است، گرمای داشته می شود. در این شب خانواده های ایرانی گرد هم آمده و با شاهنامه خوانی، قصه گویی بزرگان خانواده برای دیگر اعضای فامیل و همچنین تغاللی به دیوان حافظ، شب را به نشانه اهریمن پشت سر گذاشته و دل به صبح و روشنایی می بندند.

جمع خانواده گوی و توجه به ادبیات و اساطیر و داستانها کهن در این شب، حکایت از پیوند نسلها دارد و به عنوان هویت ملی ملت ایران، قدمت سرزمین پارسی را به رخ می کشد. هویتی که دنیای غرب از ما ربوده تا با عناوین مختلف به تاریخ نداشته اش سنجاق کند. یادایی که تبدیل به کر سیمس می شود. یا عمو نوروزی که با وقاحت تمام با نام بابائونل، ظهور می کند. این یک تهاجم فرهنگی است که غرب با ابزار رسانه به خصوص سینما سعی دارد با تصاحب و سرپوش گذاشتن بر فرهنگ غنی دیگران به هویت نداشته خود اصالت بیخشد. اما از آنجایی که این هویت مسر رفته در غرب ریشه دار نیست منجر به لجام گسیختگی و انحطاط جامعه شان می شود و به همین دلیل است که تمام امکانات خود را برای نابودی فرهنگ کشورهای دیگر از جمله فرهنگ و تمدن ایران زمین به کار بسته است و البته از خلابی تدبیر و کم کاری مدیران فرهنگی و هنرمندان مانیز برای رسیدن به مقصود شوم خود نهایت استفاده را می برد.

برای نمونه شاهنامه خوانی جزء جدایی ناپذیر مراسم شب یلدا، است. این رسم از دیرباز در ایران رایج بوده است و البته بر کسی پوشیده نیست که جذابیت شاهنامه خوانی با شیوه نقالی چند برابر می شود. رسمی که متأسفانه به دلیل بی توجهی ها در حال نابودی است. باید خیلی خوش شانس باشد خانواده ای که در این زمئه چنین فردی را درون خود داشته باشد.



شما معتبر هستید شماره معتبر بخرید

فروش ویژه شماره های خاص اعتباری و دائمی تا ۴۰٪ تخفیف

از طریق shop.mci.ir و تمامی مراکز فروش و خدمات همراه اول



www.mci.ir